



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس پنجشنبه بیستم مردادماه ۱۳۰۵ مطابق سوم شهر صفر ۱۳۴۵

جلسه ۳

غائبین بی اجازه آقایان سیرزا ابراهیم خان قوام، میرزا سید احمد خان اعتبار، شریعت زاده، میرزا محمد تقی (ثقة الاسلام سابق)، حاج میرزا حبیب الله امین، میرزا حسن خان اسفندیاری، میرزا حسین خان

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل. صورت مجلس روز قبل قرائت و تصویب گردید. غائبین با اجازه آقای مرتضی قلیخان بیات.

موقر روحی، علیخان حیدری، محمد ولیخان اسدی، میرسمنار، اسکندرخان مقدم.

راپورت شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای یاسائی از سمنان مطرح و نظر به اینکه آقای فیروزآبادی مخالفت خود را که در جلسه قبل اظهار داشته بودند کتباً مسترد نموده بودند نسبت به آن اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

خبرشعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسمعیل خان نجوبی از آبادیه - و سه فقره راپورت از شعبه دوم راجع به نمایندگی آقایان آقاعلی زارع از جهرم - آقاسیرزا مهدی معتمد از غار و قشاقویه - میرزا محمد تقی ثقة الاسلام سابق از بروجرد و سه فقره از شعبه سوم راجع به نمایندگی آقایان میرزا صادقخان مننصر از دساوند - علیخان حیدری از ساوجبلاغ مکر، محمد آخوند از طرف تراکمه و دو فقره از شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقایان: نوبخت از بهبهان - آقاسیرزا ابراهیم امام جمعه از اهر و پنج فقره از شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقایان: حاج اسدآقا زوار از ترشیز - سیدزین العابدین از فوسنات - میرزا محمد علیخان بامداد و میرزا ابراهیم خان قوام از شیراز و عطاءاللهخان پالیزی از کرمانشاهان و دو فقره از شعبه ششم راجع به نمایندگی آقایان: حیدرقلی میرزا حشمتی از کمره و محلات میرزا یداللهخان از ساوجبلاغ قرائت و چون نسبت به نمایندگی آقای مننصر آقای آقاسید یعقوب و نسبت به نمایندگی آقای نوبخت آقای مدرس مخالف بودند سوکول به بعد و نسبت به بقیه فردا فرد اخذ رأی شده تصویب گردید.

پس از آن راپورت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای مهدوی از مشهد و راپورت شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای امیر تیمور کلالی از تون و طبس و راپورت شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای محمد تقی خان اسعد از دزفول مطرح و نسبت به هر یک جداگانه اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

راپورت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسکندرخان مقدم از سراغه مطرح و آقای مدرس پیشنهاد نمودند کمیسیون تحقیقی

انتخاب و نسبت به این اعتبار نامه و سایر اعتبارنامه هائی که مورد مخالفت واقع شده رسیدگی نموده و به مجلس راپورت دهند به پیشنهاد ایشان رأی گرفته تصویب نگردید.

آقای بهار راجع به راپورت شعبه اول شرحی مشعر به مخالفت اظهار و عقیده شان این بود که شعبه صلاحیت ندارد نماینده راجع به نمایندگی که رد میکند به مجلس پیشنهاد نماید.

آقای آقاسیرزا عبدالباقی پیشنهاد نمودند کمیسیون تحقیقی انتخاب و فقط راپورت راجع به نماینده سراغه به آن کمیسیون مراجعه شود و نسبت به پیشنهاد ایشان نیز رأی گرفته تصویب نشد. آقای فاطمی مخبرشعبه شرحی دفاعاً اظهار و نسبت به مفاد خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسکندرخان مقدم اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

جلسه آتی به روز بیست و دوم مردادماه چهار ساعت قبل از ظهر سوکول و دستور آن قرائت بقیه راپورت های شعب تعیین گردید. مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای سید احمدخان اعتبار اظهار داشتند در صورت مجلس سرا غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه از مقام ریاست کسب اجازه شده بود.

آقای بهار اظهار نمودند در ضمن نطق خود شرحی راجع به آراء چهاروایم اظهار نموده بودم در صورت مجلس ذکر آن از آن نشده. و همچنین در موقع اخذ آراء به اعتبارنامه آقای مقدم عده برای اخذ رأی کافی نبوده است.

آقای رئیس اظهار نمودند تشخیص عده کافی با هیئت رئیسه است و با اینکه عده کافی برای رأی ۳۳ نفر میباشد در موقع اخذ رأی نسبت به اعتبارنامه ایشان عده ۲۵ نفر بوده است.

در جلسه یوم شنبه ۲۲ مردادماه صورت مجلس تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی سید ابراهیم ضیاء، منشی امیر تیمور کلالی

یوم پنجشنبه بیستم مرداد یکهزار و سیصد و چهل و پنج

(مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین

تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم چهارشنبه ۱۹ مرداد را آقای امیر تیمور

کلالی قرائت نمودند)

رئیس - نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. در جلسه گذشته

آقای فیروزآبادی نسبت به انتخاب آقای یاسائی از سمنان مخالفت کردند ولی کتباً شرحی سرفرمودند که بعد از سراجعه بدوسییه مخالفت خودشان را مسترد داشتند و حالا رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای یاسائی از سمنان و دامغان آقایان موافقین قیام فرمایند.

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع به نمایندگی

آقای آقاعلی زارع از جهرم و توابع.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای (مننصرالسلطان) میرزا صادق خان نوری از دساوند و توابع.

(آقای شیروانی خبر مزبور را به ترتیب ذیل قرائت نمودند):

شعبه سوم بدوسییه انتخابات و صورت مجلس حوزه انتخابیه دساوند و اعتبارنامه آقای محمد صادقخان نوری مننصرالسلطان سابق را تحت مطالعه و شور و قرارداد و اینک نتیجه مطالعات و عقیده

شعبه را به عرض مجلس شورای ملی میرساند. برحسب دستور وزارت داخله مطابق ماده ۱۴۸ قانون انتخابات انجمن نظارت مرکزی دساوند مرکب از طبقات شش گانه و معتمدین محل تشکیل و سپس

انجمن فرعی فیروزکوه و شعب آن را نیز تشکیل میدهد و پس از انتشار اعلان در موقع مقرر قانونی از دوم خرداد الی هشتم در مرکز حوزه انتخابیه و نقاط فرعی آن مشغول به دادن تعرفه و اخذ آراء میشوند و از دهم الی هجدهم آراء مأخوذه قرائت مینمایند نظر

باینکه در حوزه انتخابیه دساوند چندین نفر از متنفذین کاندید بوده بر اثر مبارزات شدید آنها در ضمن جریان انتخابات شکایات متضادی به مرکز رسیده و در نتیجه یک نفر معتمد از طرف وزارت داخله

به مرکز حوزه انتخابیه رفته و به اعتراضات خاتمه داده انتخابات را به محور قانونی خود میاندازد در ضمن رسیدگی بدوسییه دساوند شکایاتی نیز به شعبه واصل شده است که به واسطه فقدان مدارک

قانونی مورد تصدیق واقع نگردیده و شعبه سوم جریان قانونی انتخابات دساوند و صحت نمایندگی آقای میرزا صادق خان نوری مننصرالسلطان سابق را که با کثرت ۲۷۸۶ رأی از ۷۶۳۴ رأی

از دساوند انتخاب شده اند تصدیق مینماید.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه).

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه آتی. خبر از شعبه چهارم راجع

به نمایندگی آقای نوبخت از بهبهان.

(آقای افشار حاضر و خبر فوق را بمضمون ذیل قرائت نمود)

به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۴ برطبق ماده ۱۴ قانون از طرف حکومت حوزه انتخابیه بهبهان از طبقات شش گانه و معتمدین محل یک عده ۳۶ نفری برای تعیین هیئت نظارت دعوت پس از حضور مدعوین موافق مواد ۱۵ و ۱۶ قانون انتخاب اعضای

اصلی و علی البدل و هیئت عامه بعمل آمده و سپس برطبق ماده ۲۱ اعلان انتخابات از طرف هیئت نظارت منتشر و از روز سه شنبه نهم

فروردین الی یوم سه شنبه شانزدهم شهر مزبور مدت برای توزیع تعرفه و اخذ آراء تعیین و سپس شروع بایفای تکالیف مقرر

نمودند در نتیجه آقای نوبخت با کثرت ۶۰۵۳ رأی از ۸۶۶۵ رأی به نمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه بهبهان منتخب انجمن بعد از اعلان نتیجه انتخاب برطبق ماده ۱۴ یک هفته

برای قبول شکایات حاضر چون در ظرف مدت مزبوره هیچ وجه شکایتی بانجمن نرسید لهذا انجمن صورت مجلس و اعتبارنامه را با شرح جریان انتخابات و تصدیق صحت آن صادر و از مجرای قانونی به

مجلس شورای ملی ارسال و شعبه چهار با مطالعات عمیق از

محتویات صورت مجلس و دقت کامله در جریان انتخابات این حوزه انتخابیه چون باشکایتی مواجه نشده و جریان را با مواد قانون منطبق دید لهذا انتخاب آقای نوبخت را به اکثریت تصویب و راپورت آن را تقدیم مینماید -

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده مخالفم.

رئیس - می ماند برای جلسه بعد. خبر شعبه پنجم راجع

بنمایندگی آقای زوار از ترشیز -

(آقای عراقی خبر شعبه را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ۵ در تاریخ ۲۳ تیرماه تشکیل و بدوسییه انتخابات ترشیز رسیدگی نموده در تاریخ ۳ فروردین ماه حکومت ترشیز مطابق

ماده ۱۴ قانون از عده دعوت و انجمن نظار را تشکیل داده در تاریخ ۱۴ فروردین اعلان انتخابات داده شده از تاریخ ۲۱ فروردین تا ۲۷

فروردین مدت توزیع تعرفه و اخذ رأی معین و دوازده هزار و یکصد و نه رأی در انجمن مرکزی ترشیز و سایر حوزه های فرعی اخذ رأی

گردیده آقای حاج اسد آقای زوار با کثرت ده هزار و پانصد و هفتاد و چهار رأی بسمت نمایندگی دوره ششم تقنینیه انتخاب شده اند چون شکایتی در دوسییه نبود و بعد هم شکایتی بدفتر مجلس شورای ملی

نرسید اعضاء شعبه پنجم مستقماً نمایندگی آقای حاج اسد آقای زوار را برای دوره ششم تقنینیه تصویب نمود و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می نماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای زوار از ترشیز

کسانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه ششم راجع بنمایندگی

آقای حشمتی از محلات و کمره -

(آقای دادگر خبر شعبه را بشرح ذیل قرائت نمودند)

در یازدهم اسفندماه ۱۳۰۴ انجمن نظارت مرکزی محلات منعقد ۲۶ نفر حاضر و انجمن مرکزی انتخاب و در تاریخ شانزدهم

نسبت بانجمن های فرعی و شعب تصمیم گرفتند و نمایندگان خود را به آن نقاط اعزام و از تاریخ ۲۵ فروردین - برای شروع بتوزیع تعرفه و اخذ رأی - تشخیص و خاتمه آن را بمناسبت توسعه نقاط وقت و

کثرت جمعیت متفاوت تعیین و در نتیجه آراء قرائت شده مجموع حوزه های فرعی آقای حیدرقلی میرزا حشمتی با کثرت ۸۳۲۰ رأی

بسمت نمایندگی کمره و محلات منتخب - با اینکه در موعد مقرر شکایات نرسیده بود مع هذا شکایتی که بعداً بدوسییه حکومت در

تشکیل نشدن انجمن فرعی در مرحله سفلی محلات رسیده بود مستوجه ولی وارد نیافته و آنها را از گرفتن تعرفه در اشکال و تعسر ندانسته و در انجمن مرکزی شرکت آنها را کافی دانسته بودند - بالنتیجه صحت انتخابات محلات و کمره با کثرت آراء حاضرین شعبه تصدیق میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای حشمتی

آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای معتمد از غار و فشافویه

(آقای ضیاء رابورت فوق را اینطور قرائت نمودند):

انتخابات غار و فشافویه اردی بهشت ۱۳۰۵ شروع و ۱۹ خرداد خاتمه یافته اعضاء اصلی و علی البدل انجمن نظارت انتخابات ششم اردی بهشت با حضور ۲۷ نفر از مدعوین انتخاب ویلافاصله انتخاب هیئت رئیسه بعمل آمده است. انجمن نظار اعلان انتخابات را منتشر و مدت ۸ روز در ۲۷ اردی بهشت تا سوم خرداد/۵ برای توزیع تعرفه و اخذ رأی معین و بعد از ترتیب انجمنهای فرعی در مدت مقرر شروع بتوزیع تعرفه و اخذ رأی نموده است. مجموع آراء مأخوذه ۵۶۹۳ و در نتیجه استخراج و قرائت آراء آقای آقامیرزا مهدی معتمدالتولیه سابق با کثرت ۲۸۳۲ رأی در درجه اولی بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و بعد از ختم مدت قانونی و برطبق مقررات قانون اعتبارنامه ایشان و صورت مجلس انتخابات غار و فشافویه باسضاء و بهر امضاء انجمن نظار و حکومت محل رسیده است. شعبه چهارم بعد از رسیدگی بشکایات واصله و مدارک و جریان امر صحت انتخابات غار و فشافویه را تصدیق و خبر آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای معتمد آقایان موافقین قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع بعلیخان حیدری از ساوجبلاغ مکرری

(آقای شیروانی بمضمون ذیل راپورت مزبور قرائت نمودند):

انتخابات ساوجبلاغ مکرری برحسب دستور وزارت داخله از ۱۸ اسفند شروع و در تاریخ ۳۰ فروردین که نتیجه استخراج آراء جمیع حوزههای فرعیه بانجمن مرکزی واصل شده است خاتمه یافته جریان انتخابات ساوجبلاغ مکرری کلاً برطبق مقررات قانون بوده فقط بمناسبت غفلی که بعمل آمده کمالاً رعایت مدت نشر اعلان نشده است.

شعبه سوم این موضوع را مورد مذاقه قرارداد نظر باینکه اولاً در حوزه انتخابیه ساوجبلاغ مکرری اشخاصی که کمالاً از جزئیات و دقائق قانونی مستحضر باشند وجود نداشته ثانیاً درادوار گذشته همین غفلت در انتخابات بعضی نقاط عشایری و دور از مرکز شده مجلس شورای غمض عین نموده است - شعبه نیز این غفلت را قابل ایراد قرار نداده به صحت نمایندگی آقای محلی خان حیدری مکرری که با کثرت ۷۸۵۱ رأی از ۱۰۸۱۲ رأی انتخاب گردیده اند رأی میدهد.

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای علیخان حیدری از ساوجبلاغ مکرری کسانیکه موافقت قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه چهارم راجع بنمایندگی آقای امام جمعه از اهر.

(آقای افشار حاضر و خبر شعبه را باین نحو خواندند)

بتاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۰۴ برطبق ماده ۱۴ از طرف

است اعتبارنامه را صادر و صحت انتخاب ایشان را تصدیق نموده اند یکی دوقره شکایتی هم که به وزارت داخله رسیده بود در آن مذاقه و چون مزاحمتی بر انتخاب ایشان نداشت علی هذا نمایندگی ایشان باتفاق آراء حاضرین تصدیق میشود.

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزا بیدالله خان از ساوجبلاغ آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع به آقامیرزا محمد تقی ثقة الاسلام سابق از بروجرد.

(آقای ضیاء خبر شعبه را بمضمون ذیل خواندند)

انتخابات بروجرد برطبق خبر نمره ۲ موافق مواد قانون انتخابات شروع و خاتمه یافته و آقای آقامیرزا محمد تقی ثقة الاسلام سابق با کثرت ۱۵۹۲۳ از ۲۹۹۳۰ رأی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و شعبه ۲ بعد از رسیدگی بمدارک و جریان انتخابات بروجرد صحت انتخاب آنجا و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد تقی ثقة الاسلام را تصدیق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می نماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آقامیرزا محمد تقی ثقة الاسلام سابق آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع بنمایندگی آقای آقا محمد آخوند از تراکمه استرآباد.

(آقای شیروانی حاضر و خبر شعبه را بترتیب ذیل قرائت نمودند)

دوسیه انتخابات ایلات ترکمن و صحرای یموت در شعبه سوم تحت مطالعه آمده و وضعیت آن به ترتیبی است که ذیلاً بعرض مجلس شورای ملی میرسد:

در مرکز صحرا و نقاط فرعیه انجمنهای نظارت تشکیل انتخابات حسب المقرر بجریان میافتد - نکات قابل ملاحظه این دوسیه عبارت از سه موضوع است اولاً انجمن مرکزی از تهیه صورت مجلس کلیه حوزه انتخابیه غفلت نموده ولی تمام صورت مجالس حوزه مرکزی و حوزههای فرعی عیناً در دوسیه ضبط و ارسال شده است ثانیاً حکومت استرآباد در تلو یک سراسله بعنوان وزارت داخله راپورت میدهد که حکومت صحرا نظامی است و انتخابات

در موقعی شروع شده که مقررات حکومت نظامی در محل مزبور بموقع اجراء گذارده میشود - در اینباب نیز سرهنگ حکیمی حکمران نظامی آنجا اطلاع میدهد که برحسب دستور فرمانده تیپ مستقل شمال در موقع انتخابات مقررات حکومت نظامی ملغی شده است ثالثاً انجمن مرکزی بواسطه شدت باران و سوانح دیگر مجبور شده است انجمن را سیار قرار بدهد که اهالی بتوانند آراء خود را بدهند شعبه سوم در جلسات عدیده در اطراف این دوسیه مطالعات نموده و بالاخره اینطور قضاوت مینماید که چون اهالی صحرای ترکمن اکثراً بیسواد و مخصوصاً از موازین قانون انتخابات بی اطلاع بوده اند و بعلاوه جریان حقیقی انتخابات که عبارت از صدور

تعرفه و اخذ آراء بوده باشد در نهایت صحت انجام یافته است و نظر به اینکه آقای محمد آخوند از اهل محل و طرف توجه عامه میباشد جریانات فوق الذکر لطمه به صحت نمایندگی ایشان وارد نمیسازد - بنابراین آقای محمد آخوند که به اکثریت ۴۱۷۲ رأی از ۶۲۱۶ رأی منتخب گردیده اند نماینده ایلات ترکمن و صحرای یموت محسوب داشته و شعبه با رعایت جمیع مقتضیات محلی صحت نمایندگی ایشان را تصدیق مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای آقا محمد آخوند از تراکمه استرآباد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقای میرزا محمد علیخان بامداد از شیراز.

(آقای عراقی راپورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ۵ بدوسیه انتخابات شیراز رسیدگی کرده در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۰۴ والی فارس ۳۶ نفر از طبقات سته مطابق ماده قانون انتخابات برای تعیین انجمن نظارت دعوت کرده مدعوین از بین خود نه نفر اعضاء اصلی و نه نفر اعضاء علی البدل انجمن را تعیین کرده انجمن پس از تعیین هیئت رئیسه خود و بعد از تعیین انجمنهای فرعیه حوزههای تابعه شیراز شروع بدادن تعرفه و اخذ رأی نموده اند از تاریخ دهم فروردین ماه تا آخر روز ۲۶ فروردین توزیع تعرفه و اخذ رأی خاتمه یافته در ۲۷ فروردین ماه شروع باستخراج و قرائت آراء شده در نتیجه قرائت آراء از کلیه آراء مأخوذه در شهر شیراز و انجمنهای فرعی آقای میرزا محمد علی خان بامداد با ۳۳۶۴ رأی به نمایندگی دوره ششم مجلس شورای ملی منتخب شده اند شعبه ۵ چون در بدوسیه انتخابات شیراز شکایتی ندید و جریان آن را مطابق قانون دانست متفقاً نمایندگی آقای میرزا محمد علی خان بامداد را تصدیق نمودند این است که خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس - رأی میگیریم به نمایندگی آقای آقامیرزا محمد علیخان بامداد از شیراز آقایان موافقین قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسمعیل خان نجوسی از آباءه.

(آقای فاطمی خبر شعبه را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

جریان انتخابات آباءه از قراری است که به عرض میرسد در تاریخ ۱۵ اسفند انجمن نظارت آباءه تشکیل و بعد از ترتیبات مقدماتی اعلانات را صادر مینماید که در ۲۳ اسفند به توزیع تعرفه و اخذ رأی میپردازند به مجلس نقاط فرعی هم دستورات لازم تهیه و روانه میدارند در کلیه نقاط ۹۰۴۶ ورقه تعرفه توزیع و ۹۰۶۱ رأی اخذ شده پانزده ورقه رأی اضافی را برطبق ماده ۳۰ از مجموع آراء بر میدارند در نتیجه آقای میرزا اسمعیل خان نجوسی به اکثریت ۴۵۷۴ رأی به نمایندگی آباءه و توابع منتخب میشوند شکایات مختلفی از انتخابات بعمل آمده که اهم و خلاصه آن از این قرار است: انجمن نظار در ۱۲ فروردین تلگرافی به وزارت داخله مینماید

که آقا حسین نماینده انجمن مرکزی و مأموران انتخابات بوانات وقتقری راپرت میدهد که دو ساعت بعد از ظهر چهاردهم رمضان انتخابات تمام، صندوق را اعضای انجمن مهر کرده تحویل حقیروشیخ مرتضی زنجانی داده رسید گرفته در موقعی که صندوق را می آوردم سلیمان خان نایب الحکومه رسیده صندوق را به عنف از ما گرفت منزل خود برد شب در منزل خود نگاهداشت یکساعت به ظهر روز بعد فرستادند عقب بنده رفتم منزل نایب الحکومه غلامحسین خان نظامی بنای فحاشی را به حقیر گذارد مراجعت کردم مجدداً وکیل جعفر نظامی آمد مرا به منزل سلیمان خان برد دیدم صندوق باز شده در میان اطاق است معلوم شد همان شب سلیمان خان صندوق را باز کرده آراء را از میان صندوق برداشته به اسم اسمعیل خان نجومی نوشته و در صندوق ریخته همان روز هم صندوق عقدی را سلطان محمدخان آورد قرائت کردند هزار و دویست رأی به اسم اسمعیل خان نجومی تالبی در آن ریخته بودند همینقدر بدانید انتخابات بوانات ابداً مطابق قانون نبوده شرح راپرت واصله که انجمن مرکزی کاملاً صحت آنرا تصدیق مینماید انجمن مرکزی آباء بوانات قسمتی مخالف با قانون و عاری از صحت میداند (انجمن نظارت مرکزی آباء). دو روز بعد از وصول این تلگراف تلگرافی از حکومت آباء میرسد که اظهارات محمدحسین را قویاً تکذیب و میگوید این شخص طرفدار و اعظم زاده است در ۱۶ فروردین تلگراف دیگری از حکومت میرسد که عیناً درج میشود به عنوان وزارت داخله تعقیب نمونه ۸۶ عین مراسم انجمن نظارت را مرتباً عرض بعدال عنوان چون در ۱۲ فروردین شرحی از آقا محمدحسین مأمور انتخابات بوانات حاوی شکایت از وضع انتخابات آنجا رسیده بود که مفاد آن به وزارت داخله تلگراف شده و سواد آن به اداره حکومتی فرستاده شده اینک چون حکومت محترم بوانات و انجمن فرعی آنجا صحت انتخابات حوزه خود را با مضای آقا محمد حسین فرستاده و تصدیق کرده اند معلوم میشود آن شکایات در نتیجه سوء تفاهم بوده است دفاتر و اوراق و خلاصه مذاکرات آنجا را انجمن مرکزی آباء ملاحظه نموده صحیح است. (رئیس انجمن نظارت آباء قاضی ۱۶ فروردین نمونه ۱۲ حکومت آباء محمد تقی عرب). مجدداً در ۲ فروردین تلگراف دیگری از انجمن آباء رسیده که اظهارات اول خود را تأیید مینماید و عیناً درج میشود: به عنوان وزارت داخله در تعقیب نمونه ۷۲ چون مأمور انتخابات بوانات شرحی نوشته است مفاد عریضه اول که تحت نمونه ۶۶ به آن وزارت جلیله عرض شده مطابق با واقع است و از صندوق صغاد هم اخیراً انجمن ظنین شده عقیده دارند انتخابات بوانات و صغاد تجدید شود مستدعی است آن وزارت جلیله تکلیف انجمن را معین فرموده تا زودتر با انتخابات خاتمه داده شود نمونه ۷۷ انجمن مرکزی آباء در تاریخ ۲۷ اردی بهشت تلگراف دیگری از انجمن در جواب وزارت داخله رسیده که خلاصه آن از این قرار است تا کنون انتخابات آباء که حوزه های فرعی را انجمن مرکزی تصدیق نموده و صحت آن را سوای صغاد تصدیق مینماید و در همین موقع تلگراف دیگری از انجمن در باب تجدید صغاد میرسد که تقاضای تجدید مینماید وزارت داخله جواب میدهد در صورتیکه تصمیم

بالغاء آراء صغاد شده زودتر اقدام نمایند و بعد از چند روز اطلاع میدهند که آراء صغاد ابطال و تجدید و تمام شده بالاخره در ۳۰ اردی بهشت حکومت اطلاع میدهد کلیه انتخابات تمام و آقای میرزا اسمعیل خان نجومی حائز اکثریت است. علاوه بر اعتراضات فوق اعتراض دیگری هم از اشخاص مختلف به وزارت داخله و ریاست وزراء میرسد که حکومت آباء نظامی است و تقاضای تبدیل او را مینمایند در این قسمت بعد از مذاکرات لازمه چون معلوم گردید که غیر از اینکه شخص حکومت نظامی است، هیچگونه مقررات دیگر حکومت نظامی معمول نبود این اعتراض وارد است بعد از قرائت کلیه دوسیه و مراجعه کاسل به شکایات و مباحثات طولانی که بعمل آمد دو فقره سؤال و جوابی که ذیلا و عیناً درج میشود به شعبه واصل گردید در تاریخ ۱۶ تیرماه تلگرافی از طرف آقای میرزا حسن خان مستوفی رئیس الوزراء حالی به آباء مخایره میشود بدین طریق:

حکومت آباء، چون در اطراف انتخابات دوره ششم آباء شکایت متواتر میرسد نظر به علاقه کاملی که در صحت انتخابات دارم اینجانب شخصاً دوسیه را ملاحظه کردم در نتیجه مطالعات اینطور معلوم میشود که جریان انتخابات آنجا مرتب نبوده و ایراداتی به نظر میرسد برای اینکه با احاطه کامل کیفیت قضیه را تشخیص داده لازم میدانم که آن حکومت با رعایت بیطرفی و دقت نام نسبت به جریان این انتخابات تحقیقات نمایند و مخصوصاً اعضای انجمن نظار را بخواهید و مراتب را از آنها استفسار کنید و آنچه معلوم شد با کمال وضوح و بدون ملاحظه از احدی راپرت بدهید. این را بخط خود ضمیمه میکنم که این حقیقت را بدانم لذا از شما و انجمن نظار میخواهم که به دون ملاحظه حقایق را تلگرافاً بگوئید.

جواب انجمن: بعدال عنوان عین تلگرافی که اعضای انجمن آباء عرض نموده اند ذیلا به عرض میرسد نمونه ۶۶ سلطان عالی حکومت آباء مقام منبع ریاست وزراء عظام دست عظمته تلگراف مبارک توسط حکمران محترم آباء ابلاغ گردید راجع بان انتخاب آقای میرزا اسمعیل خان نجومی بعد از دادن اعتبارنامه به سهر و امضاء انجمن از طرف اعضای انجمن تا کنون شکایاتی نشده انتخابات آباء مطابق مقررات قانونی خاتمه یافته است. محمد حسن نامی و هفت نفر اعضای انجمن حکومت فعلی آباء هم مجدداً در همین تاریخ تلگراف دیگری به ریاست وزراء مخایره و میگویند اگر چه در موقع انتخابات نبودم مع هذا شخصاً بدوسیه ها مراجعه و تحقیقات لازمه بعمل آوردم انتخابات آباء کاملاً بر طبق قانون بوده است لهذا اینکه انجمن امروز در نهایت آزادی بوده و حکومت هم غیر نظامی است و اظهارات گذشته خود را تردید و تکذیب کرده اند و انتخابات صغاد هم که محل اشکال بوده تجدید شده این انتخاب را موافق با قانون و آزادی دانسته و با اکثریت صحت نمایندگی آقای میرزا اسمعیل خان نجومی را تصدیق مینماید.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای نجومی از آباء اشخاصی که تصویب مینمایند قیام فرمایند (جمعی برخاستند)
رئیس — تصویب شد. خبر شعبه پنجم راجع بنمایندگی

آقای عطاءالله خان پالیزی از کرمانشاهان

(آقای عراقی راپرت فوق را باین نحو خواندند)

شعبه ۵ بدوسیه انتخابات کرمانشاه مراجعه کرده حکومت کرمانشاه در ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۴ مطابق ماده قانون انتخابات ۳۶ نفر از طبقات ششگانه دعوت نموده مدعوین اعضاء اصلی و علی البدل انجمن نظارت را از بین خود تعیین کرده انجمن نظارت پس از تعیین هیئت رئیسه خود اعلان انتخابات را بوسیله حکومت در شهر و حوزه های فرعیه منتشر و مدت توزیع تعرفه و اخذ رأی را از ۳ فروردین تا ۱۲ اردی بهشت معین کرده آراء مأخوذه در این مدت ۳۰۳۲ ورقه بوده بعد از استخراج در نتیجه قرائت آراء آقای عطاءالله خان پالیزی با اکثریت ۲۱۳۶ رأی بنمایندگی مجلس شورا منتخب شدند شعبه ۵ بعد از رسیدگی کامل شکایت واردی در دوسیه انتخابات نسبت به آقای عطاءالله خان ندیده فقط یک شکایتی بانجمن نظارت رسیده که آقای عطاءالله خان تبعه دولت علیه ایران نیستند انجمن نظارت هم بحکومت کرمانشاه رجوع حکومت کرمانشاه بوزارت جلیله داخله مراجعه کرده وزارت جلیله داخله از وزارت جلیله خارجه مستفسر شده وزارت خارجه تصدیق تبعیت آقای عطاءالله خان را بدولت علیه ایران نموده چون غیر از این یک فقره شکایتی نبوده و این شکایت بسبب سرقومه وزارت جلیله خارجه تکذیب شده این است که شعبه پنج، نمایندگی آقای عطاءالله خان را تصویب و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس — رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای پالیزی وکیل الدوله سابق از کرمانشاهان. آقایان موافقین قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگر از شعبه پنجم راجع بنمایندگی میرزا ابراهیم خان قوام از شیراز (مجدداً آقای عراقی راپورت مزبور را باین مضمون قرائت نمودند)
شعبه ۵ بدوسیه انتخابات شیراز رسیدگی کرده تصویب جریان انتخابات را در خبرهای قبل بعرض مجلس مقدس رسانده در نتیجه قرائت آراء شهر شیراز و حوزه های فرعیه آن آقای میرزا ابراهیم خان قوام لملک سابق با اکثریت ۴۲۱۹ رأی بنمایندگی دوره ششم تقنینیه انتخاب شدند شعبه بعد از رسیدگی کامل بدوسیه انتخابات شیراز نمایندگی آقای میرزا ابراهیم خان قوام را تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی می گردد.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزا ابراهیم خان از شیراز آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس — تصویب شد. راپورت نمایندگی آقای مهدوی از مشهد دیروز مطرح شد و آقای ملک التجار مخالف بودند.

بعضی از نمایندگان — حاضر نیستند.

عراقی — حاضر نیستند باید رأی گرفته شود.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای مهدوی از مشهد کسانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. راجع بنمایندگی آقای کلای هم ایشان مخالف بودند باید نسبت بانهم رأی گرفته شود. رأی میگیریم بنمایندگی آقای کلای آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. نسبت به اعتبارنامه آقای اسعد هم آقای ملک التجار مخالف بودند و چون حاضر نیستند باید نسبت به آن هم رأی گرفته شود. رأی میگیریم بنمایندگی آقای اسعد کسانیکه موافقت قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر شعبه اول راجع به انتخابات مراغه و اسکندرخان مقدم دیروز مطرح شده بود و آقای بهارمخالف بودند. بفرمائید.

مدرس — بنده پیشنهادی داده ام.

(پیشنهاد مزبور به مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم این اعتبارنامه مراغه و سایر اعتبارنامه های که مورد مخالفت واقع شده به کمیسیون تحقیق که نظامنامه مجلس معین نموده رجوع شود و مجلس به جریان خود بوده و با کمال تأمل رسیدگی شده و مجدداً راپرت به مجلس داده شود.

رئیس — توضیح بدهید.

مدرس — گرچه می دانم که توضیح در پیشنهاد باید بطور اختصار باشد ولی نظریه اینکه بعضی از نمایندگان جدیدند و از اوضاع سابق مجلس اطلاعی ندارند اگر یکی دو کلمه زیاد تری شود از این نقطه نظر است. با بعضی اعتبارنامه ها مخالفت شد. چند تألیف الحمد لله رب العالمین خاتمه یافت و چندتای دیگر مانده است و شاید یکی دوتای دیگر هم دنباله اش باشد که مخالفت بشود و بنده عقیده ام اینست که این مخالفتها می شود بعضی مبنی بر جهل است که بعضی اطلاعات از وضعیات بعضی جاها ندارند. بعضی مبنی بر عمد است. بعضی اشکال قانونی است و بعضی نظریات سیاسی است لهذا عقیده ام این است یک کمیسیون تحقیق که سابقه هم در مجلس دارد انتخاب شود و این مخالفتها می که شده است به کمیسیون تحقیق برود و این کمیسیون را بیست و نه روز یکماهه وقت یا غیر وقت قرار بدهند تا در آنجا با تأمل نمایندگانی که شبهه دارند رجوع بکنند اگر شبهه شان رفع شد فیها والا مجدداً به مجلس راپرت می دهند و البته اکثریت مجلس هم قاطع است چه اکثریت سیاسی باشد چه اکثریت عددی هر دو رأیش قاطع است و این پیشنهاد را ازین نقطه نظر کردم.

رئیس — آقای فاطمی (اجازه).

فاطمی — بنده بیشتر مخالفت با پیشنهاد آقای مدرس مربوط به اعتبارنامه های است که بعد مخالفت می شود و مربوط به این اعتبارنامه که حالا مخالفت شده نیست. آقای مدرس فرمودند که بعضی از وکلا تازه آمده اند و جریانات را ممکن است ندانند ولی الحمد لله خودشان چند دوره است در مجلس بوده اند و مخصوصاً جریان انتخابات هرجائی را هم مسبق هستند و بالخصوص انتخاباتی

که فعلاً مطرح شده است بعضی از آنها شریک داشتند و شرکاء آنها را مجلس رأی داد و تصویب شد. مثلاً یکی اعتبارنامه شاهزاده ملک ایرج میرزا است که دیروز والان به اعتبارنامه سایر خراسانیها رأی دادید پس معلوم می‌شود که از حیث جریان اشکالی نیست و شاید همانطوری که فرمودید یک نظر سیاسی راجع به بعضی اعتبارنامه‌ها باشد ولی آن نظر را که توضیح ندادند که بنده قانع شوم و چون بنده شخصاً نسبت بهیچ یک از این اعتبارنامه‌ها نظر سیاسی ندارم از این حیث با پیشنهاد آقا مخالفم و هر کس نسبت به اعتبارنامه مخالف است بعهده بنده باید بیاید اینجا و آزادانه نظر خود را بگوید و مخالفش هم جواب بدهد بعد بحکمیت مجلس رجوع شود کمیسیون تحقیق هم فایده ندارد.

رئیس - رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای میرزا یزیدالله خان هم قطعاً رد می‌شود. آقای بهار فرمائید.

بهار - مخالفت بنده در این راپرتی که از شعبه اول صادر شده دوجنبه دارد. یک جنبه آن مربوط به طرز قضاوت شعبه است و عقیده دارم که شعبه طرز تضادش صحیح نبوده است و این یک اعتراضی بود که به موجب آن بنده مخالفت کردم و باید اعتراض گفته شود و یک اعتراض هم راجع به اصل قضاوت شعبه بود و حالا برای اینکه زیاد مسئله بطول نینجامد از آقایان اجازه میخواهم که از متن راپرت مخبر محترم شروع کنم و البته چون تمام قوای مخالفت شعبه جمع شده است در سطور این راپرت لهذا بعقیده بنده اگر از متن راپرت شروع کنم و اعتراضات خود را عرض کنم شاید سهلتر و بهتر عرایض بنده بسمع آقایان موثر شود. اولاً قبل از اینکه شروع کنم بمتن مطلب آن قسمت اول اعتراض خودم را مطرح میکنم و از مجلس محترم قضاوت میخواهم. اگر چه بعقیده یکی از نمایندگان محترم که میگفت وقتی بنا باشد قضایای مربوطه بقضاوت پارلمانی در خارج پارلمان بین افراد معدود یا مستفسد حاصل بشود منطق ویرهان حق و حقیقت چندان مؤثر نیست ...

آقاسید یعقوب - مطلب را فرمائید.

سهرابزاده - مطالب این است که میگویند شما حق ندارید هو کنید.

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - بدون اجازه صحبت نکنید.

بهار - استدعا میکنم آقای آقاسید یعقوب اجازه بدهند که بنده تمام عرایضم را بکنم و البته شما هم آزادید ممکن است بعد حرف بزنید معذک کله یا تصدیق بواقعیت این مسئله از آنجائی که وظیفه هر مدافعی دفاع از حقیقت است خواه مؤثر بشود یا نشود بنده عرایضم را اینجا عرض میکنم ولی مایوس هم نیستم از اینکه حق گاهی تأثیر داشته باشد و البته هم ممکن است خاصه حالا که اکثر اعتبارنامه‌های آقایان گذشته است و البته یک و کیلی که دارای استقلال است و همینطور یک قاضی که دارای استقلال است بهتر

که این عمل شعبه محترم مبتنی برصحت و یک اصل صحیحی نبوده پس درین صورت اصل مخالفت بنده با این راپرت مبتنی بر این قسمت بوده است و این قسمت را فعلاً مسکوت عنه میگذازم برای اینکه در پایان مذاکرات خودم در این باب تجدید مذاکره کنم و وارد میشوم بمتن راپرتی که مخبر داده است و اعتراضات شعبه را تحت نظر و تنقید قرار میدهم. و امیدوارم که به عرایضم دقت فرمایند. بنده دیروز رفتم به شعبه یک و تقریباً چندین کتابچه و چندین من اوراق و مراسلات آنجا بود و از این چندین اوراق و کتابچه‌ها که آنجا بود و تمام مربوط به انتخابات مراغه بود بنده قسمت اعظم آنها را مراجعه کردم و تمام آن قسمتی که راجع به انتخابات چهاراویماق ما نحن فیه آن قسمتی که مورد اعتراض شده بود تمام را مراجعه و دقت کردم و آن اوراقی که در این راپرت ذکر شده است مشاهده نمودم و حقیقتاً اسباب تعجب بنده شد. آن اوراق را که دیدم و تطبیق کردم با دفتر و بالاخره آن دفتر را به این راپرت تطبیق کردم فوق العاده متعجب شدم و امیدوارم آقایان هم اگر از نقطه نظر حقایق دقت فرمایند برای آقایان هم اسباب تعجب شود و به بینند که تا چه اندازه ممکن است در مطالعات اشتباه شود. اولاً شکایاتی که راجع به سهرابزاده و راجع به چهاراویماق در این چند من اوراق و دوسیه که عرض شد وجود دارد و راجع به چهارینجهزار رأی سهرابزاده شده است بیش از چهار پنج ورقه نیست و اینکه در راپرت نوشته شده است: شکایتهائی که همه مبتنی بر دسائس اعوان و انصار و حماة سهرابزاده است این فراز طولانی بالاخره منتفی می‌شود به پنج ورقه شکایت که سه ورقه یا چهار ورقه آن با مضامین اسکندر مقدم یعنی سردار ناصر برادر زاده شجاع الدوله یعنی طرف و مدعی سهرابزاده است که این چند ورقه را او اسضاء کرده و به انجمن فرستاده است و دو ورقه هم که یکی دارای چهل و شش مهر و یکی دوازده مهر است می‌باشد و بالاخره تمام این اوراق بسته است بهم و این عبارت از شکایاتی است که اینجا مخبر محترم عنوان فرموده‌اند و بآب و تاب نوشته‌اند. پس شکایات مهمی که نوشته‌اند عبارت از همین شکایاتی است که بنده در اینجا یادداشت کرده‌ام و ممکن است اگر مایل باشند به دوسیه مراجعه فرمایند و تمام آن شکایات که در این راپرت ذکر شده است آقایان نمایندگان محترم مطمئن باشند که شکایاتی غیر از پنج ورقه که عرض شد و اینجا حاضر است دیگر شکایاتی نیست و ممکن است اگر باز هم هست بیروند بیاورند و فقط شکایاتی که راجع به سهرابزاده است در حدود همین چند فقره است که عرض شد. پس در قسمت اول که می‌نویسد: شکایات مهمی به انجمن نظار و حکومت مراغه می‌رسد که همه آن شکایات بر دسائس اعوان و انصار و حماة سهرابزاده است. این یک اساس کلی ادبی است که نوشته‌اند. بله ممکن است بگویند (شکایات) ولی شاید مراد از اداء این کلمه جمع همان از یک تاسه بوده است و در هر صورت این ظاهر عبارتست ولی برای اطمینان آقایان عرض می‌کنم که تمام این شکایات مربوط به همان چند فقره است. دیگر اینکه می‌نویسد: چیزیکه بیشتر توجه شعبه راجع بنده نموده شکایات مربوط به انجمن فرعی

چهاراویماق است. این هم باز به طور خلاصه همین سه چهار فقره است که در ضمن راپرت به عرض رسیده و ممکن است آقایان مراجعه هم فرمایند و دیگر غیر از این چیزی نیست و اگر باز هم هست ممکن است بیاورند ما هم به بینیم. اولاً عنوان اینکه نوشته شده است شعبه فرعی چهاراویماق سیار بوده و به همین مناسبت هم در صورت مجلس قید شده است مخبر محترم و شعبه معظم این قسمت را یکی از اشکالات و اعتراضات قرار داده‌اند. در صورتیکه راجع به سیار بودن انجمن به شعبه شکایاتی نرسیده است و در صورت مجلس انتخابات مراغه می‌نویسد: شعبه فرعی سیار چهاراویماق. شعبه فرعی چهاراویماق که دلیل بطلان شعبه فرعی انجمن نمی‌شود برای اینکه شعبه‌های فرعی که مجزا می‌شوند از مرکز در بلوکات و نقاط متفرقه که جمعیت در یک جا جمع نیستند شعبه سیار می‌شود و این طبیعی و در همه جا هم معمول است و در قانون انتخابات هم این قسمت منع نشده است ...

مدرس - همین شمیران.

بهار - چنانچه شعبه انتخابات کن و سولقان از کن رأی می‌گیرد و می‌رود بازنگه و رودبار و بالاخره پشت کوه و شهرستانک. شعبه سیار و راسین هم می‌رود بجز قویه و بهنام پازکی و بهنام سوخته و شهروراسین و باغ خاص. پس این شعبه سیار چیز طبیعی است و اگر آقایان دقت می‌فرمودند خیلی سهل بود و این قضیه قابل این نبود که در راپرت بعنوان شکایت نوشته شود بهمان دلیلی که در صورت مجلس انجمن نظار مراغه هم قید شده است (شعبه سیار چهاراویماق) و مدرک این عبارت هم همان صورت مجلس است پس این قسمت بدلائلی که عرض شد مورد اعتراضی نبوده و نیست. ثانیاً می‌گوید: بانجمن شکایت می‌شود که چهاراویماق هشت طایفه است که سه طایفه آن در تحت اسر صولت السلطنه است و پنج طایفه از اسر ایشان خارج است و از پنج هزار و پانصد و هشتاد و پنج نفر و صد و هشتاد و دو نفر آن را بین سه طایفه خود تقسیم کرده و چهار صد و دو نفر دیگر را به سایرین داده و دلیل این اظهارات هم این است که تمام خطوط یکی و به اسم سهرابزاده بوده است. بله شکایات عمده که آقای اسکندر خان مقدم یعنی همان کسی که بعد از سهرابزاده رأی داده و بالاخره به خیال خودش تیرا به نشانه زده است همین قسمت است که بطور متحدالمان می‌تکرار می‌شود و فریاد می‌زند در صورتیکه ما وقتی بدوسیه مراجعه می‌کنیم می‌بینیم صولت السلطنه نام آنجا سمت رسمی نداشته است. صولت السلطنه هم یکی از اشخاصی بوده است که در چهاراویماق و در همان قسمت ایلاتی و بلوکی شماها به او حق انتخاب داده‌اید و باید و کیلی انتخاب کند. این یک آدمی است که در آنجا از او حرف می‌شنوند. از این صولت السلطنه‌ها در همه جا هستند در کن و سولقان هم هستند در خراسان هم هستند در همه جا صولت السلطنه‌های که در یک جائی نفوذ دارند هستند و این صولت السلطنه هم آنجا دلش خواسته که به آقای سهرابزاده رأی بدهد اجزاء و اعضاء او هم که تحت نفوذ او بوده‌اند یگان یگان به ایشان علاقه داشته‌اند و دلشان خواسته است به ایشان رأی داده‌اند و این موضوعی نیست که بیایند در راپرت

به طور اختصاص آن را مطرح کنند زیرا اگر صولت السلطنه حاکم بود حق باشما بود. بلی صولت السلطنه نامی اینجاست ولی هیئت نظار ابدأ اعتنائی به شکایات نکرده اند زیرا صولت السلطنه را یک نفر آدم رسمی که اعمال نفوذ بکنند ندانسته اند و میتوان گفت که شاید او اصلاً آنجا نبوده است و هیچ اصل هم نداشته باشد و به هر صورت اگر چنانچه یک قسمت از بلوکات زیادتر رأی داده اند و یک عدد کمتر رأی داده باشند این دلیل بر این نیست که آن قسمتی که رفته اند و زیادتر رأی داده اند آنها بر حسب امر صولت السلطنه باشد. خیر صولت السلطنه های دیگری هم که بایستی مراقب باشند و بروند رأی بدهند اهمال کرده اند و نرفته اند رأی بدهند و آن بلوکی هم که تعرفه کم بهشان رسیده است آنها کم رفته اند تعرفه بگیرند. از آن گذشته بفرض صدق این اعتراض و شکایت بایستی آن طائفه و نقاطیکه به قول آقای مخالف و معترض تعرفه و رأی به آنها کم تقسیم شده است آنها باید بیایند شکایت کنند نه یک نفر کسیکه در سراغه نشسته است و مدعی انتخابات و وکالت بوده است این شکایات را مدرک قرار بدهد و به انجمن نظار بفرستد ولی این کار نشده است و اگر چنانچه میگویند آن بلوکا تیکه به آنها تعرفه کمتر داده شده است شکایت کرده اند تازه بایستی انجمن نظار مطالعه بکند و ببیند چرا به آنها تعرفه کم داده شده است ولی بالاخره اینها مربوط به فساد و بطلان آراء آن قسمتهائی که رفته اند و تعرفه گرفته اند نخواهد بود. کم گرفتن تعرفه یک نقطه موجب بطلان آراء یک نقطه دیگری که زیادتر تعرفه گرفته است نمیشود زیرا او زنگ بوده و رفته است زیادتر گرفته است و دیگران تنبل بودند و نرفته اند بگیرند این است که این قسمت بهیچوجه قابل اعتراض و دقت نبوده است و انجمن نظار هم بهیچوجه این قسمت را مورد توجه قرار نداده است و عجب تر این است که انجمن نظار سراغه یک شرحی اینجا نوشته است و یک دفاعی به خیال خودش کرده است ولی چون عبارت را پاکیزه و آنطوریکه مخبر محترم میخواسته نوشته این است که عین این عبارت را در راپرت نوشته اند و به شکل یک حرفه بر ضد نماینده سراغه بکار برده اند و جوابی که میدهد عیناً از اینقرار است و این در قسمت اتحاد آراء است مینویسد که: در این قسمت و سایر قسمتها که آراء متحدالشکل و یک صورت بوده است قانون این اجازه را بمتنفذین داده است. و در پایان این عبارتی هم که توی راپرت نوشته اند انجمن نظار اینطور نوشته است که بنده یادداشت کرده ام. میگوید: اهالی چهاراویماق از هزار نفر یک نفر با سواد نیست. بلی مراد انجمن نظار اگر از نقطه نظر تصدیق بوده و این عبارت را نظار سراغه از نقطه نظر تصدیق شکایت نوشته بودند ممکن بود درش حرف بزیم ولیکن نظار از نقطه نظر تکذیب شکایات و وارد نبودن اعتراض یکی و متحد بودن خطوط آراء انتخابات این عبارت را نوشته اند و بعد هم تصدیق بی سواد را نوشته و متذکر شده است و به عقیده بنده فوق العاده صحیح نوشته شده و هیچ قابل اینکه در اینجا قید شود نیست. چرا؟ برای اینکه تا وقتیکه انتخابات ایران مستقیم و عمومی و مخفی است بالاخره بلوکاتی که از هزار نفر یک نفر هم با سواد نیست و

آنها هم باید بیایند رأی بدهند مجبورند به این ترتیب مگر اینکه شما آنها را محروم کنید و اشخاص بی سواد و بلوکات را در دادن رأی شریک قرار ندهید ولی وقتیکه شما این کار را نکرده اید و این حق را از ایشان سلب ننموده اید البته چون سواد ندارند طبعاً آخوند ده را میاورند می نشانند و میگویند یکی دو تا سه تا رأی برای ما بنویس و بده. چنانچه اگر به آراء شهر طهران و بلوکات توجهی میفرمودید و آراء این نقاط را میدیدید، این اعتراض را نمیفرمودید زیرا بیشتر آراء متحدالشکل است و خود بنده در انتخابات طهران سیرقم پشت دست آن رأی خواننده ها می نشستم و میدیدم غالباً کاندیدها به یک خط بود و خود آقای داور چون کاندید بودند تمام آرائشان به یک شکل بود و همینطور خود بنده و آقای مدرس هر چه بیرون میآمد یک خط و یک شکل این طبیعی است بلوکات و ایلاتی که سواد ندارند و حق انتخاب هم دارند البته بیرون پیش آخوند ده می نشینند و پنجهزار رأی میگیرند که همه به یک خط است و بیرون میدهند و البته این دلیل بطلان انتخابات نمیشود زیرا در قانون نوشته اید که اگر آراء انتخابات یک حوزه به یک خط بود آن آراء باطل است پس چون قید نظامنامه ندارد بنابراین این مسأله نباید قابل تعقیب واقع شود و نباید هم متذکر شدید زیرا اگر میخواستید این قضایا در ایران صورت نگیرد بایستی بی سوادها و بلوکات را از حق انتخاب محروم کنید و البته آنوقت اشخاص با سواد میمانند و هر کس رأی خودش را خودش مینویسد و میداد. پس این قسمت قابل توجه نیست و اینکه نوشته است: که هیئت نظار آنجا نوشته اند که قانون این حق را به سالکین و متنفذین داده است. مراد همین توضیحاتی است که بنده دادم منتها آن هیئت محترم نظار بیش از این سواد نداشته اند والا مرادش چون از نقطه نظر دفاع نوشته است معلوم است که همین بوده است و ورقه هم اینجا حاضر است بنده الان پیدا میکنم مرادش این است که این قانون انتخابات بالاخره به نقاطیکه بلوکند و ایلات و همینطور بمتنفذین و ملاکین این حق را داده است. این حق را که شما به آن اعتراض میکنید این حق را قانون انتخابات به آنها داده است و البته بنده هم تصدیق دارم و همه آقایان هم شاید تصدیق دارند که این طرز انتخابات صحیح نیست و همیشه دیده شده است که آراء بلوکات و اطراف شهرها میآید و آراء شهری و انتخابات شهر را خراب میکنند. در خراسان مکرر دیده ایم که آراء جام باخرز میآید و دو وکیل سه وکیل بلکه چهار وکیل را میبرد. در خود طهران چند دوره است ملاحظه میفرمائید دو وکیل سه وکیل، چهار وکیل خوب را بیرون میکنند و چند وکیل دیگر را (حالا مقصودم خوب و بد نیست) وارد میکنند. پس این اعتراض را بایستی به قانون انتخابات کرد و این هیئت نظار سراغه هم این مسأله را جواب داده است نه اینکه تصدیق کرده است که این شرحی را که آقای اسکندر مقدم نوشته اند صحیح است یعنی آقای صولت السلطنه اعمال دسیسه کرده است اگر آن قسمت را تصدیق میکردند باید خودشان آراء را لغو کنند و به اختیار آقای عماد السلطنه بگذارند (ببخشید آقای فاطمی). یک قسمت دیگر هم که اینجا در بادی امر فوق العاده منطقی به نظر رسید و اسباب تأمل

من شد ولی آنهم طوری حل شد که مجبورم به عرض آقایان برسانم و آن این است که سالار ناصر اعتراض میکند که اهالی قزل آباد و مکتورفته اند در هشترو رأی داده اند و آمده اند در چهاراویماق هم رأی داده اند. آیا اعضاء انجمن سراغه این قضیه را تعقیب کرده اند یا خیر؟ آنها تصدیق می نویسند که آن تصدیق یک ورقه ایست و حالا نشان میدهم که البته آن تصدیق هم صحیح است. نظار مینویسند: که بله اینها رفته اند و ما تحقیق کردیم در دو جا یکی در قسمت هشترو راجع به انتخابات آذربایجان رأی داده اند و یکی هم در قسمت چهاراویماق رأی داده اند این اسباب تأمل من شد زیرا مطابق این صورتیکه نظار اسضاء کرده اند (منتها دو خط است و حالا به آن کار ندارم) میگوید قزل آباد که حومه چهار اویماق است و تمامی اهالی مکتو که هشترو است هم در جزء هشترو و هم در جزء چهار اویماق تعرفه گرفته اند و رأی داده اند و حکمیت این قضایا از وظائف مجلس شورای ملی است اینجا هم نوشته است و در واقع در ذیل اینهم مینویسد که آراء قزل آباد و مکتو از روی دفتر به قرار ذیل است:

قزل آباد نوزده رأی. مکتو دویست و پنجاه و هفت رأی...

فاطمی -- دویست ندارد.

بهار -- دویست را کی گذاشته است من نمیدانم!! خوب الحمدلله شما هم با بنده هم عقیده اید بهتر که ندارد. بله بنده هم وقتیکه باینجا نگاه کردم و باینصورت و دفتر مراجعه نمودم اسباب تعجب بنده شد که قزل آباد و ۱۹ رأی در چهاراویماق داده است و مکتو ۲۰۰ رأی. و اینهم دلیل جریحه دار شدن انتخابات چهاراویماق نمیشود، به چه دلیل؟ اولاً مینویسد: قزل آباد حومه چهاراویماق است. وقتی قزل آباد حومه چهاراویماق خواهد بود آنوقت آرائی که در چهاراویماق داده است صحیح است و آرائی که در حومه تبریز داده است آنها را باید دقت کنند و به بینند قزل آباد چقدر و به کجا رأی داده است. آن مقدار رأی که داده است و عبارتیست از نوزده رأی بیندازند دور. پس شما حق ندارید آن قسمتی را که نظار مینویسند حومه چهاراویماق است خارج بدانید. پس وقتیکه تصدیق کردیم قزل آباد و مکتو یکی ۱۹ رأی و دیگری ۲۰۰ رأی که جمعش میشود هفتاد و چهار و فرض کنیم که آنها آرائشان باطل است و در اینجا با شما هم عقیده شویم باز مراجعه میکنیم اینجا ولی می بینیم سهراب زاده ۱۲۸۱۰ رأی دارد و سردار ناصر ۱۲۷۳۷ رأی و وقتی که آراء قزل آباد و مکتو را با اینکه جزء حومه چهاراویماق بوده است و به قول شما تمام آن آراء را لغو و باطل کنیم و بریزیم دور تازه سهراب زاده اکثریت دارد و تازه ایشان چند رأی از سالار ناصر زیادتر خواهند داشت... (در این موقع آقای مخبر مشغول یادداشت نمودن بودند).

بهار -- (خطاب به آقای مخبر) -- بله یادداشت بفرمائید.

سهراب زاده ۱۲۸۱۰ و سردار ناصر ۱۲۷۳۷ در هر صورت باز ایشان اکثریت دارند پس این قسمت اعتراضات شما هم باطل و قابل توجه نیست. حالا دیگر از انجمن هشترو یا نه رود سؤال کرده اند چه عرض کنم زیرا وقتی که اقرار کردیم این دو محل بی جهت رأی

داده اند و آرائشان را گرفتیم و لغو کردیم و ایشان باز اکثریت داشته اند دیگر شروچیکه اینجا جنابعالی نوشته اید و اسباب زحمت برای خودتان فراهم کرده اید بی فائده است و هشترو جواب بدهد یا ندهد بهیچوجه فرق نمیکند و ربطی بساینجا ندارد و همینطور که عرض کردم مربوط با انتخاب ایشان نیست و اگر یک نقطه آمدند و از نقطه نظر غفلت حاکم محل یا از نقطه نظر غفلت هشترویدها و انجمن نظار آنجا در هشترویدیکه جزء تبریز است رأی دادند این دلیل بر این نیست که وکیل سراغه انتخاباتش لغواست باید دید این دو دسته و این دوده چه اندازه رأی داده اند و این آراء را یا از آنطرف رد کرد یا از این طرف باطل کرد و این قسمت دلیل بطلان سایر آراء نمیشود (آقایان تشریف برده اند و اکثریتی نیست پس بنده برای آقای مخبر صحبت میکنم) انجمن هم اینجا مینویسد و در واقع این یک تذکره است مینویسد: بله این قضیه و سایر قضایا از وظائف مجلس مقدس است. و دیگر انجمن هم مثل مخبر محترم آراء را حساب نکرده اند و آراء پنجاه و پنج و نوزده را جمع نکرده اند و اسنادی در دوسیه هست که انجمن سراغه کاملاً برله سردار ناصر بوده است و دلیل هم دارم و ثابت میکنم که اعضاء انجمن نظار سراغه با سردار ناصر منسوب و طرفدار او بوده اند و با آقای مدبرالملک مخالف بوده اند و همیشه برای ایشان اشکال تراشی میکردند و از اینجا از وزارت داخله مکرر مخابراتی شده است که در دوسیه هست و اینها قضایائی است خیلی روشن و خود اینکه اعضاء انجمن که طرفدار سالار ناصر بوده اند اعتبارنامه به سهراب زاده داده اند دلیل بر این است که انجمن نظار نتوانسته است جرحی به انتخابات ایشان و اعتراضی به انتخابات چهاراویماق بکند و مطمئن باشید که اگر میتوانستند قبل از بنده و جنابعالی آنها کار خودشانرا کرده بودند و اینکه مینویسد: از وظائف مجلس شورای ملی بوده است همین بود که بنده آمدم اینجا و عرض کردم که قزل آباد و مکتو به موجب دفتری که اینجا عدد اساسی تعرفه گیرندگانشان هست و رویهمرفته هفتاد و چهار رأی داده اند. این هفتاد و چهار رأی را هم بفرض که ما باطل کنیم و دور بریزیم بالاخره آقای سهراب زاده اکثریت دارند و بالاخره ما هم به وظیفه مان عمل کردیم و دیگر اینکه در اینجا چندین سطر اضافه نموده اند که اسباب معطلی شده است مگر اینکه بعد توضیحاتی بدهند که بنده را قانع کنند. رابعاً شکایت مینمایند که صولت السلطنه تمام تعرفه ها را بین اشخاص طرفدار خودش توزیع کرده و معذک برای اینکه اطمینان نداشته که کاملاً موفق به انتخاب مکتون قلبی خود بشود مهر اعضاء انجمن را گرفته و بدست یک نفر از اعضاء انجمن که با دو نفر دیگر حاصل آراء صندوق بوده اند داده که در بین راه در جعبه را باز و بطور مقصود آراء را تبدیل نمایند اولاً این یک شکایتی است که اسکندر مقدم کرده است و الان بنده براتان پیدا میکنم حالا او یا دیگری که از اتباع او بوده است نوشته است. چون خطوط غالباً یکی هست. بلی این شکایت مفصلی که باضواء اسکندر مقدم است و این تلگراف هم مربوط به او است و بالاخره سه شکایت راجع به اسکندر مقدم است که یکی عبارت از این شکایتی است که چهل

و پنج مهر دارد و یکی هم پنج یا شش مهر دارد اینها کلیه شکایاتی است که مربوط به آقای سهراب زاده است. همانطور که عرض کردم این شکایاتی است که اسکندر مقدم مینماید و آن این است: حضور محترم انجمن نظار مرکزی در موضوع صندوق چهاراویماق کشف اسرار اعضای انجمن در نزد سه نفر عضو حاصلین صندوق آنجا که شرحی روزشنبه بحضور آقایان عرض کرده بودم شرحی هم به مقام حکومت عرض شده بود و جوابیکه رسیده است عین آن لفاً تقدیم گردید مستدعی است عادلانه حکمت و بیان حقیقت و اظهار عقیده بفرمایند. جوابی هم آقای بنی آدم از تبریز بهش میدهد که به انجمن نظار مرکزی مراجعه کند پس این شکایت و این قسمت مربوط به مدعی سهراب زاده که اسکندر مقدم باشد هست و انجمن نظار بواسطه سرعت زیاد که نسبت به سردار ناصر داشته است اینجا در مقابل اعتراض حکومت مراغه مینویسد (که اینجا موجود است) حکومت مراغه به سردار ناصر مینویسد: که آقا چرا تهدید و تطمیع میکنی و چرا رعایای خودت را وادار به بعضی عملیات میکنی آنوقت انجمن از ایشان دفاع میکند و میگوید خیر سردار ناصر آدم خوبی است و بهیچوجه ایشان تهدید و تطمیع نکرده اند این کاغذهای حکومت است که به اسکندر مقدم نوشته است.

آقای سعید یعقوب - حاکم کی بوده است.

بهار - حاکم همین کسی است که اینجا امضاء کرده است: سرباز ملی جوان شیری: انجمن میگوید از طرف سردار ناصر بهیچوجه تهدید و تطمیع نشده است (لا بد از آشناهای خودتان بوده است) بعد عجیبتر این است که سردار ناصر در مقابل حکومت را تهدید میکند و بعد از دو سه روز راپرت میدهد به انجمن نظار مراغه که شنیده ایم تفنگدارهای حکومت برای دو نفر کاندیدا در موقع نشر اعلان ورقه به مردم میدادند حکومت هم مینویسد خیر ابداً همچو چیزی نیست و خلاف عرض کرده اند تحقیقات هم میکنم اگر تفنگدارهای من اسمی از کسی برده اند تنبیهشان میکنیم باز به انجمن نظار مینویسد که خیر حکومت تفنگدارهای خودش را فرستاده و تهدید و تطمیع میکند و اینجا آقایان نظار هم در سطر اول از آقای سردار ناصر دفاع میکنند و میگویند از طرف آقای سردار ناصر بهیچوجه تهدید و تطمیع نشده است بعد میگوید عزیمت آقای حیدرقلیخان پسر حکومت به اطراف صحت دارد لکن الزام مردما به انتخاب شخص معین محقق نیست بعد هم از آقای ایالت دفاع میکند که به اصطلاح ایندست آنست کرده شده میگوید که رئیس اجرای حکومت ابداً مداخله در انتخابات نداشته است تفنگدارهای حکومتی در موقع نشر اعلان بعضی از رعایای دهات را وادار به خلاف قانون مینموده بمحض وصول راپرت به انجمن قدغن و جلوگیری شد. شما در چهاراویماق اعتراض میکنید به آراء سهراب زاده اگر اعتراضتان راجع به این تفنگدارها و اطراف مراغه بود که ایشان هزار رأی بیشتر ندارند آنوقت ما هم میرفتیم از انجمن میبوسیدیم که آیا محقق شد که این تفنگدارهای ملاعین تهدید میکردند یا خیر اگر آنوقت محقق میشد که آنها تهدید و تطمیع کرده اند این آراء

شکایات انبوه متراکمی که زمین و آسمان را بهم دوخته بود شعبه خودش را بی نیاز دیده و حقیقه سیار بودن صندوق چهار اویماق را مطرح قرار داده اینکه اسباب اشکال نبود. مداخلات صولت السلطنه را هم که سند ندارید. مدعی طرف است اعتراض مدعی را که بی سند نمی شود مدرک قرارداد و نظر بدلائل معروضه (دلایلی که بنده ردش را عرض کردم) بطلان آراء چهار اویماق را باتفاق آراء تصدیق نموده اند باتفاق آراء هم نبوده است...

مخبر - بنده تکذیب میکنم.

بهار - آقای معظمی مخالف بودند.

آشتیانی - نبوده است.

بهار - در صورت جلسه تان حاضر است نوشته اند: بنده مخالفم. و در مرحله دوم هم (باز اینجا عجب تر است) نمایندگی آقای اسکندر مقدم (که معلوم نیست کجاست؟ کی است؟) یعنی برادرزاده شجاع الدوله معروف که با کثرت یازده هزار وهشتصد هفتاد ونه رأی بسمت نمایندگی دوره ششم تقنینیه منتخب شده اند اخذ رأی در شعبه بعمل آمده با کثرت تصویب کرده امضاء فاطمی بنده کار ندارم باینکه آقای سهراب زاده چطور آدمی است یا آن خانواده مرحومه چه اشخاصی هستند کار ندارم و تعجب نمی کنم در یک مجلسی که در روی اصول آزادی تأسیس شده است چرا این شکایات نباید ملاحظه شود و تعجب هم نمی کنم که این آقای سهراب زاده دوره گذشته هم از مراغه وکیل شده اند و ایشان هم در نتیجه عدم صلاحیت بالاخره از بین رفتند و وادار باستعفا شدند و آقای سالارلشکر آمدند به مجلس اینها را هم یادآوری نمیکنم برای اینکه میگویند تاریخ فراموش نمی شود در صورتیکه در ایران زود فراموش میشود همه چیز فراموش میشود و فقط وقت و فرزندی وقت فراموش نمی شود و باقی میماند. بهرحال حالا کار نداریم باینکه او خوبست یا سهراب زاده ولی اگر واقعاً این احساسات شعبه مربوط باین شکایات و مربوط بدوسیه انتخابات بوده است و علل دیگری نبوده است باید تصدیق کنند نمایندگان محترم که شعبه در اینجا بی لطفی کرده است یا اجازه بدهند عرض کنم که یک قدری از انصاف دور شده است زیرا دوسیه هائی در این شعبات دیده اید و می بینید که مملو است از شکایاتی که حقیقه سنگ را مرتعش میکنند و دل آهن را میگدازد معدلک نه در شعبه اثر میکند و نه در پشت تریبون هم اگر کسی بگوید گوش میکنند و میگردد اسباب انتخاباتیکه در مراغه شده است که همه آقایان مطلعند و میدانند که در آنجا قوای نظامی بهیچوجه نبوده است اصلاً اعمال نظر نظامی که این اصل مخالفت بنده با غالب انتخابات بوده در آنجا وجود نداشته است. حاکم محل یک نفر آزادی خواهی است که جزء فاتحین تهران است فاتح آزادی بوده است بالاخره سهراب زاده هم اگر فتوحاتی در عالم آزادی نکرده است لاقلاً سجاهدت کرده تفنگ برداشته است این آدم وکیل بوده است در مراغه با صولت السلطنه ناسی هم دوست بوده است (چنانکه خود بنده هم در منزل او میهمان بودم او هم آدم پیرمردی است) دوره گذشته که وکیل مراغه بوده است حالا هم خودش

کسانش، بستگانش دوندگی کرده اند زحمت کشیده اند سردم هم باو رأی داده اند و بالاخره یک آدمی که وقتی به نسبت انتخابات نگاه کنیم می بینیم که در تمام حوزه های فرعی و اصلی رأی داشته است در ملک کندی ۷۶ رأی در آغچه کهل ۱۶۱ رأی در کشاور ۱۶۳ رأی در بیوک بسلاغ ۱۱۴ رأی در چهار برج ۴ رأی در سراغه ۱۱۲۹ رأی در سیاندواب ۲۵۴ رأی در بناب ۷۴ رأی در صابن قلعه ۲۲۱۲ رأی در حسن آباد در تکان تپه در همه حوزه های انتخابیه رأی داشته اند البته کمک هائی هم باو شده است از اینجا دوستان او تلگراف کرده اند تلگراف بجا کم شده است بالاخره اشخاصی که نفوذ ملی داشته اند باو کمک کرده اند برادرش آنجا رفته است دوندگی ها شده است و بالاخره وکیل شده و از آنجا آمده است شما ردش کرده اید شما دوره گذشته که ایشان در سراغه سابقه نداشتند ایشان را رد نکردید بچه انصاف باید یک نفر نماینده را از یک حقی محروم کرد پس ناچارم عرض کنم که نظر شعبه محترم راجع بمتن قضایا نبوده است زیرا این دوسیه و این اوراق و شکایاتی که تمام مربوط با اسکندر خان مقدم برادرزاده مرحوم صمدخان است این شکایات نمی تواند یک وکیلی را محروم از حق سیاسی و ملی خود کند کسی هم که باین شکایات ترتیب اثر بدهد و بالاخره یک وکیلی را محروم کند آنها هم از نقطه نظر انصاف طرف اعتراض واقع میشود و اگر از نقطه نظر صلاحیت شخص هم نگاه کنیم آقای میرزا ابراهیم خان سهراب زاده بهتر است از اسکندر خان مقدم. از نقطه نظر آزادی و حکومت ملی، ولی البته از نقطه نظر خود او و فامیلش از همه ماها بهتر است» از نقطه نظر ما که اینجا آمده ایم و میخواهیم با قرآن و آزادی زندگی کنیم در نظر ما یک آدمی که در حومه آزادی بیشتر ورزش کرده است و در حکومت ملی بیشتر کار کرده است و یک دوره هم با ما همکاری بوده است این آدم از نقطه نظر صلاحیت شخصی هیچ نسبتی با آقای سردار ناصر ندارد پس ناچاریم که بگوئیم یک مسائل دیگری است که آن مسائل بنده مربوط نیست مکرر بدوستان خودم عرض کردم در سقعی که احساسات محترمشان شدید میشود عجله نباید بکنند در قضایا برای اینکه بعد ممکن است پشیمان بشوند چنانکه بنده باز اگر صلاح بدانند ممکن است استدعا کنم از آقایان و اگر اجازه بدهند پیشنهادی مینویسم بریاست محترم تقدیم میکنم و چون کمیسیون انتخابات از نقطه نظر ارجاع تمام اعتبارنامه های مخالفت شده بآنجا رد شده بنده اختصاص میدهم یک کمیسیون انتخاباتی برای این انتخاب بخصوص برای اینکه حقیقه رد کردن یک وکیل یک چیز ساده و سهلی نیست. مخصوصاً آن اشخاصی که احساسات آنها بیشتر باعث رد یک وکیلی میشود آنها بیشتر حق دارند آقائی و بزرگی کنند و در طول اسر و در تکثیر مطالعه کمک بکنند و این مسئله برود در کمیسیون تحقیق و در این عرایض که من کردم و یک فرمایشاتی که آقای مخبر خواهند فرمود و تصور میکنم اقناع کننده هم نباشد رسیدگی کنند و در کمیسیون تحقیق مطالعه و دقت بشود. این صورت مجلس چهاراویماق است و یک صورت مجلس مرتبی دارد که روز بروز نوشته اند و انتخابات صحیحی بوده است آقایان نمایندگان هم از این خستگیها خلاص بشوند پنج

شش روز دیگر بیاید اینجا البته اکثریت محترم همیشه هست و برقرار است ما هم در اقلیت هستیم ولی بالاخره آن مقدمات اولیه و مطالعات لازمه اگر بشود و یک رأی داده شود از نقطه نظر افکار عمومی بعقیده بنده بهتر است لهذا بنده پیشنهادی تهیه میکنم و تقدیم میکنم و امیدواریم آقایان هم موافقت فرمایند.

رئیس — پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که دوسیه انتخابات سراغه فقط به کمیسیون تحقیق مراجعه شود و برای قضاوت بیاید، میرزا عبدالباقی رئیس — این در حکم تجزیه است و تجزیه در یک موضوع کلی منطبق ندارد ولی بفرمائید توضیح بدهید.

آقای میرزا عبدالباقی — توضیحی ندارم بسته برای مجلس است فاطمی مخبر شعبه — بنده نه بایشهاد آقای ملک مخالف هستم و نه بایشهاد ایشان ولی آقای ملک بیاناتی فرمودند که من باید جواب این بیانات ایشان را در مجلس بدهم و چون یک مقدارش داخل در شخصیات شدند و مربوط بشخص خود بنده بود آنها را بنده بعرض مجلس میرسانم بعد هر طور که مجلس رأی داد البته مطاع است.

رئیس — رأی میگیریم بایشهاد آقای میرزا عبدالباقی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. آقای مخبر بفرمائید.

مخبر — اولاً آقای ملک قبل از بیاناتشان یک فرمایشات شخصی فرمودند که نفهمیدم این اطلاعات و حقایق از کجا برآقا مکشوف شده بود که در مجلس اظهار بفرمایند و در حقیقت یک توهینی بود که نسبت به همه نمایندگان محترم کردند.

بهار — تحریک نکنید آقا. توهین نبود.

مخبر — چرا توهین بود. فرمودید که یک چهار پنج نفر معذور خودشان میروند در خارج مجلس مطالب را آنها بین خودشان حل میکنند بعد میآیند بسایرین تزریق میکنند. بنده جداً این مسأله را تکذیب میکنم بهیچ وجه همچو چهار پنج نفر یا ده پانزده نفر ویست نفری هم وجود ندارد البته فراکسیونهای در مجلس هست و مذاکره میکنند و تصمیم میگیرند و مطالب خودشان را هم خیلی آزادانه میآیند اظهار میکنند. این قسمت را بنده کاملاً تکذیب میکنم بعد یک قسمتهای دیگر فرمودند که آقایانی که اعتبارنامههاشان گذشته است بهتر قضاوت میکنند و قاضی وقتی مستقل شد بهتر قضاوت میکند این را هم بنده تصدیق میکنم که قاضی وقتی مستقل شد بهتر میتواند قضاوت کند ولی بنده شخصاً بشان عرض میکنم که هیچ وقت برای شخص خودم در هیچ وضعیتی تفاوت نمیکند در هر حال عقیده خودم را عرض میکنم هیچ وحشتی هم ندارم و درین موضوع بخصوص هم نسبت با آقای سهرابزاده و این چیزهایی که در ضمن بیانشان فرمودند که خو بست اختیار را بفلانی ندهند شعبه به من اختیاری نداده است اصلاً یک قسمت از این مسئله وقتی مطرح شد بنده در شعبه نبودم

و یک دلیل بهتر اینکه روز اولی که اعتبارنامه سهرابزاده در شعبه مطرح شد بنده تنها مدافعه کردم تک و تنها، این آقایان اعضاء شعبه حاضر. صورت مجلس را وقتی قرائت کردند و یک اعتراضاتی کردند که چرا این اعلان در فلان تاریخ نشده سی و شش نفر نبوده من گفتم که این چیزها قابل توجه نیست و حتی این عبارت را بنده گفتم که بنده این انتخابات را صحیح میدانم و یکی از رفقا گفت که مثل سایر انتخابات. پس حملات شخصی که به بنده میکنند هیچ مورد ندارد و شعبه را هم بنده تصور نمیکنم که هیچ شعبه در عالم پیدا شود که بخواهد روی نظر شخصی یک قضاوتی بکند تا چه رسد باین شعبه که بنده قطعاً یقین دارم که شاید هم خیلی میل داشته اند که یک راههایی برای حل قضیه پیدا کنند و باین ترتیب رأی ندهند حالا بنده اول وارد میشوم در راپرتی که خودم داده ام و اعتراضاتی که آقا فرمودند تا بعد بقیه یادداشتها برسم. یکی از اعتراضاتی که آقا فرمودند و یک مدتی روی آن حرف زدند راجع بانجمن چهاراویماق بود اولاً این اعتراض شدیدی نبود و راجع باین موضوع هم نگفتم که چون انجمن چهار اویماق سیار بوده است باین دلیل شعبه رأی داده خیر باز هم اگر انجمن سیاری در یک نقطه باشد که فوق العاده با قانون تصادم نکند خود بنده مدافعه خواهم کرد. فقط بنده گفتم انجمن فرعی چهاراویماق سیار است همینطور هم در صورت مجلس نوشته شده اما بانجمن شکایت میشود که چهاراویماق هشت طایفه است که سه طایفه شان تحت اسر صولت السلطنه هستند و پنج طایفه شان از تحت امر ایشان خارج هستند. بلی این راپرتی که من اینجا نوشته ام چند سطر بیشتر نیست ولی چندین صفحه درش مستتر است آقای ملک در ضمن اظهاراتشان فرمودند که صولت السلطنه نوعی خیلی هست صولت السلطنه فلان جا فلان کس رأی داده صولت السلطنه فلانجا هم دلش خواسته است سهرابزاده رأی داده. اینطور نیست اشکال شعبه در همین است خوب بود توجه میکردند که صولت السلطنه کی است. صولت السلطنه یک نفر آدم عادی نبوده بلکه حاکم چهار اویماق بوده است...

سهرابزاده — خیر نبوده است.

مخبر — شما وقتی میتوانی بمن بگوئی نبوده است که وزارت داخله بمن بنویسد نبوده است من بموجب نوشته وزارت داخله این مطلب را میگویم که صولت السلطنه حاکم چهاراویماق بوده است ممکن است یک عده از آقایانی هم که الان در همین مجلس هستند بدانند بنده که شعبه بازی نمیکنم.

بهار — مداخلاتش را ثابت کنید.

مخبر — من مذاکره بین الانین نمیکنم.

(صدای زنگ رئیس)

مخبر — شعبه اینجا اینطور نوشته است که چهاراویماق هشت طایفه است سه طایفه شان با صولت السلطنه هستند و پنج طایفه شان با دیگران پنج هزار و پانصد و هشتاد و رقه تعرفه به چهار اویماق رفته است از این مقدار پنج هزار و صد و هشتاد و رقه سه طایفه داده شده است و چهارصد تا به پنج طایفه دیگر. میگویند در

نقطه نظر انتخاب آقای اسکندر خان مقدم است نه راجع به رد کردن سهرابزاده فقط طرف داری من از نقطه نظر رأی شعبه و صحت جریان انتخابات و نمایندگی اسکندر خان مقدم است والا اگر در آن مرحله وارد شدم آنوقت بعضی تلگرافها است که میآورم قرائت میکنم.

سهرابزاده — بیاورید تا ملت بداند چه مجلسی است.

رئیس — (خطاب به سهرابزاده) به شما اخطار میکنم.

مخبر — اینجا آقای ملک فرمودند که ما هیچوقت ندیده بودیم

که شعبه بیاید و یک راپورت اعتبارنامه که به او مراجعه شده است بدون اینکه بگوید صحیح یا غلط است بگذارد کنار و یکی دیگر را بیاورد بلی این مسأله نظائر دارد و در کیف بنده موجود است شعبه در دوره چهارم راجع به انتخابات تبریز و صندوق سهندآباد و راجع به رأی که شعبه میدهد. اگر شعبه به ابطال رأی نداده بود دو سه نفر وکیل میشدند از این نظائر باز هم داریم از قبیل پوررضا و اعتبارالدوله حاضر هم چنین سال گذشته شعبه یک با مخبری خود حضرتعالی.

بهار — بنده مخبر نبودم. شما همه اش ادعا میکنید.

مخبر — شما مخبر بودید و راپورت داده اید حالا عرایض

دیگری را عرض میکنم تا آن راپورتها را که فرموده اید ادعا است به عرض برسانم. اما راجع به این موضوع بنده از آقایان انصاف میخواهم اگر فردا راجع به انتخابات یک شهر دو و کیلی انتخابات تمام شد و انجمن نظار هم به انتخابات خاتمه داد و اعتبارنامه را هم امضاء کرد و بدست آن دونفر وکیل داد و آمدند در مجلس اعتبارنامه شان هم به شعبه رجوع شده و هیچ شکایتی هم از انتخابات آنجا نرسیده اما شعبه در ضمن رسیدگی بدوسیه حساب کرد و گفت آراء شهری هزار تا. آراء شعبه فرعی فلانقدر و همه را روی هم رفته جمع کرده آنوقت دید آن وکیل دومی در عوض اینکه در اعتبارنامه اش نوشته شود چهار هزار رأی دارد نوشته شده است چهار هزار و پانصد رأی. و پانصد تا اثنابه کرده است و یک سومی دیگری هم هست که چهار هزار و سیصد رأی دارد البته شعبه حق را به آن کس که بیشتر رأی دارد میدهد. ما بعد از آنکه صندوق چهاراویماق را باطل دانستیم آنوقت گفتیم بهینیم در این صندوق چه اشخاصی رأی دارند دو هزار و چهارصد و چهل تا عباس میرزا رأی داشت فوری از آراء عباس میرزا موضوع کردیم. چهارصد و چهل رأی هم مقدم داشت آن را هم موضوع کردیم. ۵۰۸ رأی هم سهرابزاده داشت آن را هم موضوع کردیم. آنوقت در نتیجه دیدیم عباس میرزا در درجه اول و اسکندر خان وکیل دوم آنجا است آنوقت شعبه باید چه بکند...

مدرس — باید به انجمن نظار ابلاغ کند.

آشتیانی — انجمن نظاری در کار نیست.

مخبر — این راپورتهای آذربایجان است راجع به دوره چهارم

آقای ملک فرمودند اگر راست میگوئید بیاورید حاضراست اگر اجازه میفرمائید یکی اش را بخوانم باقیش را بگذاریم باشد. آراء بعضی از دهات هشت رود و سهندآباد (همین هشت رود که الان داریم درش حرف میزنیم) که باقیمانده بود اعزام و پس از وصول آراء سهندآباد

آراء آنجا خطوطشان یکی بوده است انجمن هم تصدیق میکند که خطوط آراء یکی است ولی میگویند قانون این حق را از متنفذین محلی سلب نمیکند. اگر صولت السلطنه متنفذ محلی بود که شعبه اشکالی نداشت با وجود اینکه این هم یک اشکالی است ولی صولت السلطنه حاکم و رئیس ایل بوده است. ما اینجا نماینده ایلات خمس و سایر جاها هم داریم که حالا تعرفه میدهند ولی سابقاً در دوره دوم و سوم فقط ایلخانی سینوست که فلان را بنویسید و سینوستند وکیل هم میآید شاید خیلی هم خوب بود یک نفر متنفذ اگر در یک نقطه باشد می تواند به خیلها رأی بدهد، متنفذ خود من هم رأی داده است. فقط اشکال شعبه در این مسئله است که آیا صولت السلطنه که حاکم آنجا بوده است حق داشته است که خودش اقدام در انتخاب کسی بکند یا خیر؟ پس فرمایشاتی که آقای بهار در این مورد فرمودند وارد نبود و دلیلی هم که در مقابل داشتیم همان مطلبی بود که عرض کردم و راجع به آراء قورچای و قزل آباد و هشت رود و مکتوم بنده تحقیق کردم به هر حال شعبه از این نظر قضاوت نکرده نظر به اینکه یک نوزده تا و یک پنجاه و پنج تا در دو جا رفته رأی داده اند این آراء باطل است ولی اهم اعتراضات ما اینجا دو موضوع بود یکی موضوع عوض کردن آراء که اعتراض میکنند که صندوق را در بین راه که میآوردند آراء را عوض کرده اند و مهر اعضاء انجمن پیش یکی از سه نفر حاصلین صندوق بوده است انجمن نظار هم پشت همان ورقه تصدیق کرده بودند که مهرها پیش یک نفر بوده ولی برای گرفتن حقوق آورده بودند آقای ملک الشعرا مدتی اینجا بحث کردند که چه ضرر دارد یک حقوقی هم به اعضاء انجمن نظار بدهند. در این دوره پیشنهاد کنید بعد از این به انجمن نظار حقوق بدهند ولی تا امروز به انجمن نظار هیچ بلوک و هیچ شهری حقوق نمیدادند ولی ممکن است در یک جائی یک حاکم یا یک منتخبی دلش خواسته باشد که به انجمن نظار که سی چهل روز زحمت کشیده اند یک حق الزحمه بدهند دیگر این قبض رسید ندارد که مهرشان را بیاورند لیستی نمیخواستند مهر کنند که دکتر میلیسپو ایراد بگیرد و سند خرج بخواهد. پس بودن مهرها در جیب یک نفر بدون دلیل بود وقتی که ما یقین کردیم که مهرها در جیب یک نفر بوده و از آنطرف هم یقین کردیم که آراء را برده اند و تحویل صولت السلطنه داده اند قبض رسیدش هم اینجا ضبط است بنابراین از یکطرف مداخله کردن صولت السلطنه که حاکم بوده و به هر کس دلش می خواسته است رأی داده و از یک طرف هم تصدیق انجمن است که صندوق را سه نفر از اعضاء انجمن آورده اند و مهر انجمن در جیب یکی از آنها بوده از یک طرف هم چهار پنج هزار ورقه رأی به یک خط بوده باز هم تردید کنیم در اینکه فرمودید شکایات همین پنج فقره است ابداً اینطور نیست.

بهار — خیر همین طور است.

مخبر — بنده حالا نمیخواهم وارد مراحل دیگری بشویم.

بهار — ما میخواهیم داخل شویم.

مخبر — بنده از طرف شعبه مأوریت ندارم راجع بسوء جریان

انتخابات آقای سهرابزاده حرف بزنم مسائلی که عرض میکنم از

وزارت داخله کاغذی به مجلس شورای میرسد. در آن کاغذ خرابی این انتخابات و اعتراضاتی که شده است تصدیق میکند و میگوید ما از ترس اینکه حکومت طرفدار بوده میترسیدیم اعتراضات ما را به شما نرسانند. گذاشتیم جوف فلان بسته و آن بسته ایست که این امهار رویش هست. و آن بسته خیلی قطور را وقتی آوردند اینجا که ما رأی خودمان را داده بودیم و آن بسته در اطاق شعبه توی گنجی گذاشته شده و شاید چندین من وزنش باشد. بنده که نخواندم ممکن است بعد از این آقا بروند بخوانند حالا هم هرچه مجلس رأی بدهد مطاع است.

رئیس - آقای ملک الشعرا (اجازه).

بهار - در اصل موضوع بنده مذاکراتی ندارم والبته آقایان پس از استماع اعتراضات بنده و جوابهای آقای مخبر خودشان مسائل را حل خواهند کرد در ضمن اینکه اینجا دعوا میکردند و فحش میدادند آقای خطیبی فرمودند سندی در اینجا هست و آقای مخبر هم فرمودند بلی قضیه معلوم است این را خواستم برای آقایان توضیح بدهم بنده شنیدم که کسان یا اخوان ایشان اینجا آمده اند از نقطه نظر تعصبی که برادر نسبت به برادر دارد به ایشان نصیحتی میکردم که از کسانتان هیچکس به مجلس نیاید و هر کس میاید شما را به بیند برود منزل برای اینکه نیابند اینجا هیاهو کنند موضوع این بود حالا ممکن است از این سند عکس بردارید و بزرگ کنید و بچسبانید آنجا (اشاره به بالا) و با هو هم مردم را از مجلس رد کنید.

رئیس - مذاکرات کافی است.

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای اسکندر خان مقدم از سراغه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. جلسه ختم میشود جاسه آتیه روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه راپورتهای شعب.
(مجلس یک ساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی نویخت

منشی

انجمن به عدم قانونیت آن متوجه شده و به علاوه جمعی هم از اهالی اعتراض کرده بودند. صندوق را که به مهر اعضاء انجمن سمهور بود هیئت اعزاسیه به اداره ایالتی تسلیم و تعیین تکلیف آن را به رأی مجلس شورای ملی موکول و خاتمه انتخابات را با اساسی منتخبین اعلام کمیسیون پس از دقتهای لازمه صحت انتخابات شهرتبریز و توابع آن را تصدیق و با جریانات قانونی مطابقت میدهد و نسبت به صندوق سهندآباد چون مطابق تحقیقات...

(در این موقع صدای فریاد از اطاق تنفس شنیده شد و بعضی از آقایان نمایندگان از محل خود برخاستند و آقای سهراب زاده با حال عصبانی وارد مجلس شده در جای خود نشستند).

بعضی از نمایندگان (با همهمه - این چه وضعی است)...

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - رئیس گارد آقا را ببرید حبس کنید.

(در این موقع آقای سهراب زاده برخاستند از پارلمان خارج شدند).

خطیبی - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

خطیبی - حالا معلوم میشود که در خود مجلس هم تهدیداتی میشود این کاغذی است که آقای سهراب زاده به بنده نوشته اند.

رئیس - بدهید به ناطق بخواند.

(فاطمی کاغذ را به شرح ذیل قرائت نمودند)

سرگ پدراز مجلس خارج و بروید منزل بطوری که ملک گفته است اطاعت خواهد شد سهراب زاده.

بهار - معذایش چیست.

مخبر - معنایش را همه میدانیم.

بهار - توضیحی دارم راجع به این کاغذ.

رئیس - (خطاب به بهار) آقا بدون اجازه صحبت نکنید.

مخبر - آقای ملک شرحی اظهار فرمودند از اینکه انجمن طرفدار سردار ناصر بوده است انجمن طرفدار ناصر نبوده است و بنده چون خسته شده و حقایق هم آنچه باید گفته شود گفته شده است همین دوسه کلمه رابه عرض میرسانم و میروم. انجمن بهیچوجه طرفدار سردار ناصر نبوده برای اینکه در سه چهار روز قبل از طرف